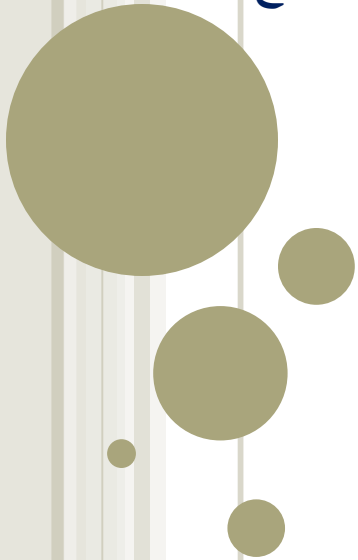


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل على حضرت فاطمه و ابيها و بعلمها و بنيتها و بنتيها و امها سرالمستودع فيها
(بعدد ما احاط به علمك)

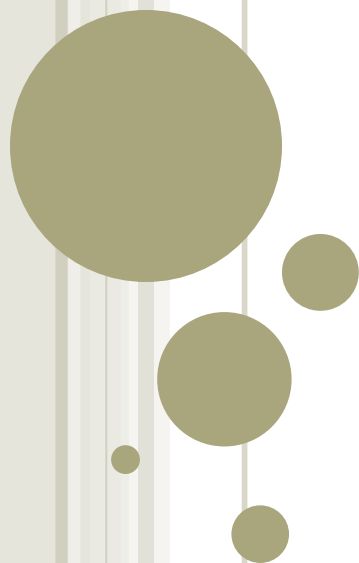


خسارات و آسیب های قابل جبران در قانون مجازات اسلامی

سخنران:

دکتر علی اصغر قربانی

اسفندماه ۱۴۰۰



مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی

○ ماده ۱۴ - ماده ۱۴ - مجازاتهای مقرر در این قانون چهار قسم است:

○ الف- حد

○ ب- قصاص

○ پ- دیه

○ ت- تعزیر

تبصره- چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد



دیه

ماده ۱۷- دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر میشود.



دیه مقدر

ماده ۴۴۸- دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.



دیه غیرمقدر (ارش)

ماده ۴۴۹- ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و **میزان خسارت** وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین میکند.

مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.



موارد ديه

ماده ۴۵۰- در جنایت

شبه عمدی،

خطای محض

و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی^۲ علیه یا ولی دم ديه پرداخت میشود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.



اقسام جنایت

ماده ۲۸۹- جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.



جنایت عمدی

ماده ۲۹۰- جنایت در موارد زیر عمدی محسوب میشود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام **کاری قصد ایراد جنایت** بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و **در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع** شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ب- هرگاه مرتکب، **عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده** یا نظیر آن، میگردد، **هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد** ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن میشود.

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمیشود **لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن میشود** مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنیعلیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت- هرگاه مرتکب **قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد**، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمبگذاری کند.

جنایت شبه عمدی

ماده 291- جنایت در موارد زیر **شبه عمدی** محسوب میشود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه **قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته** باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی میگردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، **جهل به موضوع داشته باشد** مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (302) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت **به سبب تقصیر مرتکب واقع شود**، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد. (**قصور پزشکی**)

خطای محض

ماده 292- جنایت در موارد زیر **خطای محض** محسوب میشود:

الف- در حال **خواب و بیهوشی** و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله **صغیر و مجنون** ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب **نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.**



تقصیر

ماده ۱۴۵- تحقق جرائم **غیر عمدی**، منوط به احراز **تقصیر** مرتکب است. در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال میشود.

تبصره- تقصیر اعم از **بی احتیاطی** و **بی مبالاتی** است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب میشود.



ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات

ماده ۶۱۶- در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه **بی احتیاطی** یا **بی مبالاتی** یا اقدام به امری که مرتکب در آن **مهارت نداشته** است و یا به سبب **عدم رعایت نظامات** واقع شود، مسبب به **حبس از یک تا سه سال** و نیز پرداخت **دیه** در صورت مطالبه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.



مسئول پرداخت دیه

ماده 462- دیه جنایت **عمدی و شبه عمدی** بر عهده **خود مرتکب** است.

ماده 463- در جنایت **خطای محض** در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده **عاقله** است

و

اگر با **اقرار مرتکب** یا **نکول او** از سوگند یا قسامه ثابت شد بر عهده **خود او** است.



عاقله

ماده ۴۶۸- عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است.

همه کسانی که در زمان فوت میتوانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه میباشند.



ترک وظیفه

ماده ۲۹۵- هرگاه کسی **فعلی** که انجام آن را برعهده گرفته یا **وظیفه خاصی** را که قانون بر عهده او گذاشته است، **ترک کند** و **به سبب آن، جنایتی واقع شود**، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند میشود و **حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض** است، مانند این که مادر یا دایه ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا **پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند**.



مهلت پرداخت ديه

ماده 488- مهلت پرداخت ديه، از زمان وقوع جنايت به ترتيب زير است مگر اينکه بهنحو ديگري تراضي شده باشد:

الف- در **عمد موجب ديه**، **ظرف يك سال قمری**

ب- در **شبه عمد**، **ظرف دو سال قمری (قصور پزشکی)**

پ- در **خطاي محض**، **ظرف سه سال قمری**

تبصره- هرگاه پرداخت کننده در بين مهلت هاي مقرر نسبت به پرداخت تمام يا قسمتي از ديه اقدام نمايد، محكومٌ له مكلف به قبول آن است.

ماده 489- درجنايت **خطاي محض**، پرداخت کننده بايد ظرف **هر سال، يك سوم ديه** و در **شبه عمدي**، ظرف هر سال **نصف ديه** را بپردازد.



ماده 495- هرگاه پزشك در معالجاتي كه انجام ميدهد موجب تلف يا صدمه بدني گردد، ضامن ديه است مگر آنكه عمل او مطابق مقررات پزشكي و موازين فني باشد يا اين كه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتكب تقصيري هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مريض به دليل نابالغ يا مجنون بودن او، معتبر نباشد و يا تحصيل برائت از او به دليل بيهوشي و مانند آن ممكن نگردد، برائت از ولي مريض تحصيل ميشود.

تبصره 1- در صورت عدم قصور يا تقصير پزشك در علم و عمل براي وي ضمان وجود ندارد هرچند برائت أخذ نكرده باشد.



ماده 496- پزشك در معالجاتي كه **دستور انجام آن را به مريض يا پرستار** و مانند آن صادر مينمايد، در صورت تلف يا صدمه بدني **ضامن** است مگر آنكه مطابق ماده (495) اين قانون عمل نمايد.

تبصره 1 - در موارد مزبور، هرگاه **مريض يا پرستار بداند** كه دستور **اشتباه** است و موجب صدمه و تلف ميشود و با وجود اين به دستور عمل كند، **پزشك ضامن نيست** بلكه صدمه و خسارت **مستند به خود مريض يا پرستار** است.

تبصره 2 - در قطع عضو يا جراحتات ايجاد شده در معالجات پزشكي طبق ماده (495) اين قانون عمل ميشود.



قواعد عمومی دیه اعضاء

ماده ۵۵۹- هرگاه در اثر **جنایت** صدمه ای بر **عضو** یا **منافع** وارد آید چنانچه برای آن جنایت در شرع **دیه مقدر** یا نسبت معینی از آن به شرح مندرج در این قانون مقرر شده باشد مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده **ارش** آن قابل مطالبه است



زوال / نقص دائم / موقت **منافع**

ماده ۷۰۸- از بین بردن یا نقص دائم یا موقت **حواس** یا **منافع** دیگر مانند لامسه، خواب و عادت ماهانه و نیز بهوجود آوردن امراضی مانند لرزش، تشنگی، گرسنگی، ترس و غش، موجب ارش است.

کاهش هوشیاری

اختلال در خواب

اختلال در کنترل ادرار

و ...



نقص عضو

ماده ۵۷۳- هرگاه صدمه بر استخوان، موجب **نقص عضو** یا **صدمه دیگری** گردد، **هر یک دیه جداگانه ای** دارد.



خسارات و آسیب های قابل جبران

۱- آسیب اولیه

۲- عوارض

۳- **نقص عضو** (عارضه ماندگار با تاثیر بر عملکرد روزانه)

۴- زوال یا نقص منفعت



قواعد عمومی ۱

ماده ۵۶۰- **دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل مییابد.**

ماده ۵۶۱- هرگاه در اثر یک یا چند ضربه، **آسیبهای متعددی** بر یک یا چند عضو وارد شود، **ملاک رسیدن دیه به ثلث، دیه هر آسیب به طور جداگانه است** مگر اینکه آسیبهای وارده بر عضو، عرفاً یک آسیب و جنایت محسوب شود.

ماده ۵۶۲- **در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست** لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضاء و منافع زن نباید بیش از دیه اعضاء و منافع او باشد، اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد.



قواعد عمومی ۲

ماده ۵۶۳- از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از اعضای زوج، دیه کامل و از بین بردن هریک از اعضای زوج، نصف دیه کامل دارد. خواه عضو مزبور از اعضای داخلی بدن باشد خواه از اعضای ظاهری مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۵۶۴- فلج کردن عضو دارای دیه معین، دو سوم دیه آن عضو و از بین بردن عضو فلج، یک سوم دیه همان عضو را دارد. در فلج کردن نسبی عضو که درصدی از کارایی آن از بین میرود، با توجه به کارایی از دست رفته، ارزش تعیین میگردد.

ماده ۵۶۵- از بین بردن قسمتی از عضو یا منفعت دارای دیه مقدر به همان نسبت دیه دارد به این ترتیب که از بین بردن نصف آن بهمیزان نصف و از بین بردن یکسوم آن به میزان یک سوم دارای دیه است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره ۱- در مواردی که نسبت از بین رفته قابل تشخیص نباشد، ارزش تعیین میشود.

تبصره ۲- هرگاه جنایت، عضو را در وضعیتی قرار دهد که به تشخیص کارشناس، مجنی علیه ناگزیر از قطع آن باشد دیه قطع عضو ثابت میشود.

قواعد عمومی ۳

ماده ۵۶۶- ديه اعضائى كه با پيوند و امثال آن در محل عضو از بين رفته، قرار گرفته است و مانند عضو اصلى داراى حيات ميشوند به ميزان ديه عضو اصلى است و اگر داراى حيات گردد ولى از جهت ديگرى معيوب شود، ديه عضو معيوب را دارد.

از بين بردن اعضاى مصنوعى، تنها موجب ضمان مالي است.

ماده ۵۶۷- در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم میشود.



ديه اعضا ديه منافع

عضو منفعت

چشم بينايى

بينى بويابى

گوش شنوايى

اندام تناسلى مقاربت



تعدد جنایت

ماده ۵۳۸- در **تعدد جنایات**، اصل بر **تعدد دیات** و **عدم تداخل** آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است.

ماده ۵۴۲- هرگاه در اثر **رفتارهای متعدد**، **آسیبهای متعدد** ایجاد شود هر آسیبی **دیه جداگانه** دارد.

ماده ۵۴۱- هرگاه در اثر **یک ضربه** یا هر رفتار دیگر، **آسیبهای متعدد** در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده ولکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، **هر آسیب دیه جداگانه** دارد.

ماده ۵۴۴- هرگاه در اثر **یک یا چند رفتار**، **منافع متعدد زائل** یا ناقص شود مانند اینکه در اثر ضربه به سر، بینایی، شنوایی و عقل کسی از بین برود یا کم شود، **هر یک دیه جداگانه** دارد.



منفعت قائم به عضو

ماده ۵۴۵- هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت میشود (چشم و بینایی)

ولی

اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد، اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زائل یا ناقص گردد، هرکدام دیه جداگانه دارد.



تغلیظ دیه

ماده ۵۵۵- هرگاه **رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه** هر دو در ماههای حرام «محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه» **یا در محدوده حرم مکه**، واقع شود خواه جنایت عمدی خواه **غیرعمدی** باشد، علاوه بر دیه نفس، **یک سوم دیه نیز افزوده می گردد.** سایر مکانها و زمانهای مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نیست.

ماده ۵۵۶- در حکم تغلیظ دیه **فرقی میان بالغ و غیربالغ، زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان نیست.** سقط جنین نیز پس از پیدایش روح، مشمول حکم تغلیظ است. تغلیظ دیه، در مواردی که عاقله یا بیت المال پرداخت کننده دیه باشد نیز جاری است. در قتل عمدی که به علت عدم امکان قصاص یا عدم جواز آن دیه پرداخت میشود نیز این حکم جاری است.

ماده ۵۵۷- تغلیظ دیه **مخصوص قتل نفس** است و در جنایت بر اعضاء و منافع جاری نیست.

دو جراحی خاص (جائفه)

- ماده ۷۱۱- **جائفه** جراحی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به **درون بدن** انسان اعم از شکم، سینه، پشت و پهلو ایجاد میشود و موجب یک سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحی جائفه محسوب میشود. (**Chest Tube?**)
- تبصره - هرگاه در جائفه به اعضای درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود، علاوه بر دیه جائفه، دیه یا ارش آن نیز محاسبه میشود.



دو جراحی خاص (نافذه)

- ماده ۷۱۳- **نافذه** جراحی است که با فرو رفتن وسیله‌های مانند نیزه یا گلوله در **دست یا پا** ایجاد میشود دیه آن در مرد یکدهم دیه کامل است و در زن ارش ثابت میشود.
- تبصره ۱ - حکم مذکور در این ماده نسبت به اعضائی است که دیه آن عضو بیشتر از یکدهم دیه کامل باشد، در عضوی که دیه آن مساوی یا کمتر از یکدهم دیه کامل باشد، ارش ثابت است مانند اینکه گلوله در بند انگشت فرو رود.
- تبصره ۲ - هرگاه شیئی که جراحی نافذه را به وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحی نافذه محسوب میشود.



خسارات و آسیب های قابل جبران

۱- آسیب اولیه

۲- عوارض

۳- **نقص عضو** (عارضه ماندگار با تاثیر بر عملکرد روزانه)

۴- زوال یا نقص منفعت



